

سه‌جانبه‌گرایی سازمان تأمین اجتماعی حق یا شعار؟

علامینایی

کارشناس حقوق



سازمان تأمین اجتماعی، یک دستگاه عادی دولتی نیست که صاحبان آن صرفاً مدیران منصوب دولت باشند. این سازمان حاصل سال‌ها پرداخت حق بیمه میلیون‌ها کارگر، کارمند و کارفرماست و تصمیمات آن مستقیماً با زندگی، معیشت و آینده میلیون‌ها بیمه‌شده و بازنشسته ارتباط دارد.

از همین‌جا یک پرسش اساسی مطرح می‌شود: آیا کسانی که منابع اصلی سازمان را تأمین کرده‌اند و کسانی که امروز و فردا از تعهدات آن استفاده می‌کنند، نباید در تصمیم‌گیری درباره سرنوشت این سازمان نقش واقعی و مؤثر داشته باشند؟

به نظر من، پاسخ روشن است: سه‌جانبه‌گرایی نباید یک عنوان تشریفاتی باشد؛ باید یک سازوکار واقعی برای مشارکت دولت، کارگران و کارفرمایان و با لحاظ جایگاه ذی‌نفعان بازنشسته در تصمیم‌گیری‌های سازمان باشد.

در ادبیات رسمی تأمین اجتماعی نیز سه‌جانبه‌گرایی بر مبنای تعامل دولت، کارگران و کارفرمایان مورد توجه قرار گرفته است و مطالعات منتشرشده درباره سازمان تأمین اجتماعی نیز ضرورت گفت‌وگوی اجتماعی میان شرکای اجتماعی را مورد تأکید قرار داده‌اند. اما مسئله فقط «گفت‌وگو» نیست. مسئله، حق مشارکت در تصمیم‌گیری است.

در سال‌های گذشته، تغییرات ساختاری در ارکان سازمان تأمین اجتماعی موجب شد شورای عالی تأمین اجتماعی از ساختار قبلی حذف و سازمان در قالب ارکان دیگری از جمله هیأت امناء، هیأت مدیره، مدیرعامل و هیأت نظارت اداره شود. در برخی تحلیل‌ها و مکاتبات تشکلی‌های کارگری و کارفرمایی، این تغییرات از عوامل کمرنگ‌شدن سه‌جانبه‌گرایی دانسته شده است.

اکنون زمان آن رسیده که از یک شعار عبور کنیم و به یک سازوکار حقوقی و اجرایی روشن برسیم.

پیشنهاد مشخص من چیست؟ پیشنهاد اینجانب، به عنوان وکیل بازنشستگان تأمین اجتماعی، این است که:

شورای عالی تأمین اجتماعی با یک ساختار جدید، شفاف و پاسخگو احیا شود؛ شورایی که در آن دولت، نمایندگان واقعی کارگران و کارفرمایان و همچنین نمایندگان واقعی بازنشستگان و مستمری‌بگیران حضور مؤثر داشته باشند.

این نمایندگی نباید انتصابی و صرفاً تشریفاتی باشد. نماینده‌ای که قرار است از حقوق میلیون‌ها بیمه‌شده یا بازنشسته دفاع کند، باید دارای پشتوانه تشکلی، فرآیند انتخاب شفاف، مأموریت مشخص و مسئولیت پاسخگویی در برابر ذی‌نفعان باشد.

از سوی دیگر، دولت نیز باید در این ساختار حضور داشته باشد؛ زیرا دولت نسبت به سیاست‌های عمومی رفاه و تأمین اجتماعی مسئولیت قانونی دارد. بنابراین، سخن ما حذف دولت نیست.

سخن ما، متوازن کردن قدرت و مسئولیت است. سه‌جانبه‌گرایی واقعی یعنی هیچ‌یک از شرکای اجتماعی نتواند به تنهایی سرنوشت سازمان را تعیین کند و تصمیمات اساسی درباره منابع، مصارف، سرمایه‌گذاری‌ها، تعهدات، بودجه و سیاست‌های بلندمدت سازمان در یک فرآیند شفاف و مشارکتی اتخاذ شود.

و اما جایگاه بازنشستگان در این میان، یک خلأ مهم وجود دارد:

بازنشستگان نباید صرفاً در زمان پرداخت مستمری یا ارائه خدمات، «مخاطب» سازمان باشند؛ بلکه باید در فرآیند سیاستگذاری درباره آینده تأمین اجتماعی نیز صدای مؤثر داشته باشند.

بازنشسته امروز، سال‌ها حق بیمه پرداخت کرده است. بنابراین وقتی درباره آینده منابع و مصارف سازمان، سرمایه‌گذاری‌ها، تعهدات و نحوه اداره آن تصمیم گرفته می‌شود، نمی‌توان جامعه بزرگ بازنشستگان را صرفاً در جایگاه دریافت‌کننده خدمات قرار داد.

بازنشسته باید ذی‌نفع، صاحب حق و دارای نمایندگی مؤثر باشد.

یک مطالبه روشن

از مسئولان محترم دولت، مجلس شورای اسلامی و وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی انتظار می‌رود به جای برخورد مقطعی با مطالبات بازنشستگان، موضوع سه‌جانبه‌گرایی را به صورت ساختاری بررسی کنند و زمینه قانونی و اجرایی مشارکت واقعی شرکای اجتماعی در اداره سازمان تأمین اجتماعی را فراهم آورند.

مطالبه ما پیچیده نیست:

سازمانی با این اهمیت ملی، نیازمند حکمرانی شفاف، پاسخگو، مشارکتی و متوازن است.

اگر سه‌جانبه‌گرایی پذیرفته شده است، باید آثار آن در ساختار تصمیم‌گیری دیده شود؛ و اگر قرار است نمایندگی ذی‌نفعان واقعی باشد، باید در انتخاب نمایندگان و میزان اختیار آنان نیز نمود پیدا کند.

من، به‌عنوان وکیل بازنشستگان تأمین اجتماعی کشور، این موضوع را نه یک مطالبه شخصی و نه یک خواسته مقطعی، بلکه موضوعی مرتبط با حقوق جمعی میلیون‌ها بیمه‌شده و بازنشسته می‌دانم و معتقدم باید درباره آن گفت‌وگوی جدی، مستند و حقوقی میان دولت، مجلس، سازمان تأمین اجتماعی و جامعه ذی‌نفعان شکل بگیرد.

سه‌جانبه‌گرایی واقعی، یعنی شنیده‌شدن صدای صاحبان حق در جایی که درباره حق آنها تصمیم گرفته می‌شود.

از پیامدهای ناترازی گاز برای تولید گزارش می‌دهد

زمستان سخت تولید سخت‌تر می‌شود؟



شهناز صفایی

editor@smtnews.ir

چند سالی می‌شود که زمستان برای صنعت فقط فصل سرما نیست؛ فصل آزمون زیرساخت انرژی و میزان آمادگی اقتصاد برای عبور از روزهای پرمصرف است. سال‌هاست ناترازی گاز از یک مسئله مقطعی عبور کرده و به یکی از چالش‌های مهم تولید تبدیل شده است؛ چالشی که در روزهای سرد سال می‌تواند دامنه اثر خود را از شبکه انرژی به خطوط تولید، زنجیره تأمین، اشتغال و بازار کالا گسترش دهد. در چنین

شرایطی، هر واحد صنعتی که با کاهش یا قطع گاز مواجه شود، تنها با یک محدودیت ساده در تأمین انرژی روبه‌رو نیست؛ توقف یا کاهش ظرفیت تولید می‌تواند برنامه تحویل سفارش‌ها، تأمین مواد اولیه، درآمد بنگاه و حتی تعهدات آن در برابر بازار را تحت‌تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر، جایگزین کردن گاز با سوخت‌های دیگر نیز برای همه صنایع امکان‌پذیر نیست و به زیرساخت، تجهیزات، ذخیره‌سازی و

ناترازی گاز چگونه تولید را زمین‌گیر می‌کند؟

نیز ممکن است به زمان و هزینه نیاز داشته باشد. از سوی دیگر، کاهش تولید یک واحد می‌تواند زنجیره‌ای از پیامدها را در بخش‌های وابسته ایجاد کند. کاهش سفارش خرید مواد اولیه، کاهش حمل‌ونقل، افت فعالیت پیمانکاران و خدمات وابسته و کاهش عرضه محصول در بازار، تنها بخشی از این آثار است. بنابراین، محدودیت گاز را نمی‌توان صرفاً یک مشکل در حوزه انرژی دانست؛ این مسئله مستقیماً با تداوم فعالیت بنگاه‌ها و ثبات زنجیره تولید ارتباط دارد.

هزینه پنهان سوخت جایگزین

در نگاه نخست، استفاده از سوخت جایگزین می‌تواند راهی برای عبور از محدودیت گاز باشد، اما این راهکار برای همه واحدهای صنعتی یکسان نیست. تغییر سوخت ممکن است به تجهیزات جدید، مخزن ذخیره، خطوط انتقال، تغییر تنظیمات فنی و رعایت الزامات ایمنی نیاز داشته باشد. علاوه بر این، هزینه سوخت

ناترازی گاز دیگر صرفاً مسئله‌ای مربوط به تأمین انرژی خانوارها نیست؛ در سال‌های اخیر، هر بار که مصرف گاز در بخش خانگی افزایش پیدا کرده و فشار بیشتری به شبکه وارد شده، بخش تولید نیز با نگرانی درباره محدودیت مصرف مواجه شده است. این مسئله به‌ویژه برای صنایعی که فرآیند تولیدشان به گاز وابستگی مستقیم دارد، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. کاهش فشار گاز یا محدودیت در تحویل آن می‌تواند ظرفیت تولید را کاهش دهد و در مواردی، توقف بخشی از خطوط تولید را به دنبال داشته باشد.

وقتی انرژی از تولید جدا می‌شود

تأثیر ناترازی گاز بر تولید تنها به خاموش شدن یک خط تولید محدود نمی‌شود. در بسیاری از صنایع، توقف فرآیند تولید می‌تواند هزینه‌های مضاعفی ایجاد کند؛ از آسیب به تجهیزات و مواد اولیه گرفته تا برهم خوردن برنامه تولید و تأخیر در تحویل سفارش‌ها. در صنایعی که فعالیت آنها پیوسته است، راهاندازی مجدد خطوط

ناترازی گاز، تولید را به زمستان سخت نزدیک می‌کند

استفاده از مازوت منجر شود و این مسئله نیز پیامدهای خود را خواهد داشت. به همین دلیل با توجه به شرایط فعلی تأمین گاز کشور، موضوع ناترازی انرژی باید بسیار جدی‌تر دنبال شود.

تولیدکنندگان از حالا اقدام کنند

خالقی در پاسخ به اینکه تولیدکنندگان در شرایط فعلی چه اقدامی باید انجام دهند، اظهار کرد: تولیدکنندگان باید از هم‌کنون نیاز سوخت خود و سوخت جایگزین را برآورد کنند و برای تأمین آن پیگیری جدی داشته باشند. بخشی از راهکارها برای حل این موضوع نیازمند چانه‌زنی و اراده خود تولیدکنندگان برای ایجاد مخازن ذخیره سوخت است.

وی با بیان اینکه نوع سوخت جایگزین برای همه صنایع یکسان نیست، گفت: ممکن است برای یک واحد صنعتی استفاده از CNG امکان‌پذیر نباشد و لازم باشد به سمت گاز مایع یا گازوئیل بروند و برای آن مخزن ایجاد کنند. صنایعی هم که امکان استفاده از مازوت دارند، باید از هم‌کنون برای تأمین سوخت اضطراری و ایجاد مخازن موردنیاز اقدام کنند.

این فعال صنعت ادامه داد: اگر شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی نتواند سوخت موردنیاز واحدها را در اختیار آنها قرار دهد، دیگر راهی جز این نیست که دولت برای دوره احتمالی تعطیلی پخش تولید، تمهیدات جبرانی در نظر بگیرد.

«سر سیاه زمستان» وقت تصمیم‌گیری نیست

خالقی با اشاره به ضرورت اصلاح الگوی مصرف انرژی در بخش خانگی و صنعت خاطر‌نشان کرد: وقتی گرفتار مشکل می‌شویم، تازه یادمان می‌افتد که باید مصرف را کاهش دهیم؛ در حالی که

در نهایت اینکه ناترازی گاز هر سال با نزدیک شدن به فصل سرما دوباره به صدر نگرانی‌های بخش تولید بازمی‌گردد؛ اما مسئله اصلی، خود زمستان نیست. مسئله این است که آیا برای روزهایی که مصرف بالا می‌رود و ظرفیت شبکه تحت‌فشار قرار می‌گیرد، از قبل تصمیم گرفته‌ایم یا باز هم باید در میانه بحران به‌دنبال راه‌حل بگردیم؟ تولید نمی‌تواند هر زمستان با یک نسخه موقت از بحران عبور کند. خط تولید، قرارداد، نیروی انسانی، مواد اولیه و بازار، همه به یکدیگر متصل هستند و اختلال در تأمین انرژی می‌تواند این زنجیره را تحت‌تأثیر قرار دهد. از همین رو، تأمین

دسترسی به سوخت وابسته است. همین موضوع ضرورت عبور از مدیریت روزمره بحران و حرکت به سمت برنامه‌ریزی پیشگیرانه را پررنگ می‌کند. پرسش اصلی این است که در صورت تشدید ناترازی گاز، تولید تا چه اندازه آماده عبور از زمستان سخت ۱۴۰۵ است؟ **سمنعت** در این گزارش به دنبال پاسخ به این پرسش است و نگاهی دارد به پیامدهای ناترازی گاز برای تولید که در ادامه می‌خوانید.

جایگزین نیز می‌تواند بالاتر از گاز باشد و حاشیه سود واحدهای تولیدی را کاهش دهد.

اگر دسترسی به سوخت جایگزین نیز با محدودیت همراه شود، امکان استمرار تولید دشوارتر خواهد شد. به همین دلیل، مدیریت ناترازی گاز باید فراتر از تخصیص مقطعی سوخت دنبال شود و برنامه‌ای برای ذخیره‌سازی، تنوع‌بخشی به سبد انرژی صنایع، افزایش بهره‌وری و کاهش شدت مصرف انرژی وجود داشته باشد.

در نهایت، ناترازی گاز می‌تواند از یک اختلال در تأمین انرژی به یک مسئله اقتصادی تبدیل شود؛ مسئله‌ای که هزینه آن ممکن است در نرخ تمام‌شده کالا، کاهش تولید، تأخیر در عرضه و کاهش توان رقابت بنگاه‌ها نمایان شود. هرچه فاصله میان میزان مصرف و ظرفیت تأمین بیشتر شود، اهمیت برنامه‌ریزی پیشگیرانه نیز بیشتر خواهد شد.



از همین حالا باید برای بهره‌وری بیشتر انرژی و کاهش مصرف برنامه‌ریزی کنیم.

وی افزود: مردم باید از همین امروز بدانند در زمان کمبود گاز

چه اقداماتی می‌توانند انجام دهند تا مصرف سوخت کاهش پیدا کند. وزارت نفت نیز باید راهکارهای فنی و اقتصادی کاهش مصرف را از همین حالا به مردم آموزش دهد؛ چه در استفاده از بخاری گازی و نفتی و چه در سایر تجهیزات مصرف‌کننده انرژی.

این کارشناس و فعال صنعت با تأکید بر اینکه نباید منتظر رسیدن زمستان ماند، گفت: سر سیاه زمستان نمی‌شود به فکر یک‌سری کارها افتاد. وزارت نفت باید از همین حالا با جدیت بیشتری برای آمادگی مردم و صنایع اقدام کند.

وی در ادامه با اشاره به وظیفه صنایع برای مدیریت تولید در دوره کمبود انرژی اظهار کرد: بخش صنعت نیز باید بررسی کند چه فعالیت‌هایی را می‌تواند تا زمانی که سوخت در اختیار دارد انجام دهد و کارهایی را که به سوخت کمتری نیاز دارند، برای دوره محدودیت انرژی در نظر بگیرد.

خالقی در پایان گفت: اگر قرار است یک واحد صنعتی برنامه بازسازی یا نوسازی داشته باشد، می‌تواند این اقدامات را به دوره‌ای منتقل کند که احتمال محدودیت سوخت بیشتر است تا اگر خطوط تولید نیازمند سوخت متوقف شدند، دست‌کم خسارت ناشی از توقف تولید به حداقل برسد.

سخن پایانی

سوخت جایگزین، توسعه ظرفیت ذخیره‌سازی، ارتقای بهره‌وری و برنامه‌ریزی برای مدیریت مصرف باید پیش از رسیدن روزهای سرد تعیین تکلیف شود. به قول آرمان خالقی، کارشناس و فعال حوزه صنعت، «سر سیاه زمستان» واقعا جای تصمیم‌گیری نیست. اگر قرار است تولید ادامه پیدا کند، آمادگی برای زمستان باید از ماه‌ها قبل آغاز شده باشد؛ زمانی که هنوز فرصت انتخاب، تأمین، ذخیره‌سازی و اصلاح برنامه‌ها وجود دارد. زمستان هر سال می‌رسد؛ این آمادگی است که نباید هر سال از نو به تعویق بیفتد.